

کارگران از نگاه کارفرمایان

نگاه همه به دست‌های پر توان کارگران است. همه یعنی کسانی که چشم به آبادانی کشور و توسعه دوخته‌اند و شکوفایی ایران زمین را انتظار می‌کشند. باید از بحران‌ها گذر کنیم و روحی تازه به فضای تولید و کسب و کار ببخشیم. کارگران دست در دست کارفرمایان می‌توانند این جادو را به اقتصاد کشور ببخشند. این دو گانه دوست داشتنی دو قطب رو در روی هم نیستند، بلکه همگام و همراه هم هر کدام نقشی در تولید و توسعه ایفا می‌کنند. برای همین هم به مناسبت روز جهانی کارگر، این بار خواستیم از زبان کارفرمایان جامعه کارگری را بشناسیم و پاس داریم.

یکشنبه ● ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ ● شماره پنجاه و یک

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

ویس‌شتر

هفته کار و کارگر - آدم‌ها



۴۸ درصد جامعه کارگری، در کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر کار می‌کنند. این‌ها که این کارگاه‌ها را اداره می‌کنند پایه‌های کارگران کار می‌کنند. اول صبح می‌آیند و آخر شب با کارگران کارگاه را ترک می‌کنند.■ عکس: علیرضا تقوی

گفت‌وگو با مرتضی رجبی، قائم‌مقام کانون عالی کارفرمایان ایران

دوقطبی کارگر – کارفرما یک تصویر غیر حقیقی است



پیرامون همه ما کارگرانی هستند که گاه با مشقت اما با آبرو در آمد کسب می‌کنند و اغلب زندگی‌هایی معمولی دارند. البته این تعریف و نگاهی سستنی به کارگران فست. وقتی وارد دنیای کارگران می‌شویم متوجه یک نکته برجسته خواهیم شد، اگر بخشی از چه کارگران در تنگنا قرار دارند و حقوق آنان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اما وقتی به قانون مراجعه می‌کنیم متوجه نکته عجیبی می‌شویم؛ قانون تمام‌قد از کارگر دفاع می‌کند و حافظ منافع وی است. اما چرا اغلب کارگران با چالش‌های زیستی و معیشتی و بیمه‌ای و تامین اجتماعی مواجه هستند؟ چرا دوقطبی کارگر و کارفرما هنوز به هنوز است بر فضای کارگری کشور سایه انداخته است؟ پاسخ به این پرسش‌ها و بررسی وضعیت کار کشور با نگاهی به جایگاه کارفرمایان در گفت‌وگو با مرتضی رجبی، قائم‌مقام دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران، به دست می‌آید.

مرتضی رجبی که عضو شورای عالی کار نیز هست در گفت‌وگو با هفته‌نامه آتی‌نو می‌گوید: «دوقطبی کارگر و کارفرما عمده‌تا تصویری غیر حقیقی و ذهنی است. تفاوتی بین کارگر و کارفرما وجود ندارد. کارفرمایان روزی کارگرانی شبیه به کارگران خود بودند. در گیرودار این فعالیت و به دلیل مشکلات ساختاری که در اقتصاد کشور وجود دارد، ممکن است مسائلی در پرداخت دستمز، بیمه و حتی مالیات کارگاه‌های کوچک به وجود آمده باشد که بیش از هر چیز ناشی از نوسانات اقتصادی است.» به باور رجبی با در نظر گرفتن تسهیلاتی مانند آنچه در کشورهای دیگر برای تولید در نظر گرفته می‌شود می‌توان کارگاه‌های کوچک را پربازده کرد و از این طریق چرخه اشتغال کشور خواهد چرخید و تامین اجتماعی مطلوب‌تری به کارگران ارائه خواهد شد. او در سنوات قبل عضو کانون عالی کارفرمایان ایران بوده و همچنین در گذشته عضو هیئت‌مدیره صنایع شیشه ایران نیز بوده است. رجبی که خود در خانواده‌ای نسبتا کارگری بزرگ شده، حدود چهل سال در حوزه کارگران کار کرده است. ۳۰ سال در بخش‌های دولتی وزارت کار و ۱۰ سال نیز در بخش خصوصی! مشروح این گفت‌وگو را بخوانید:

■ شما اصالتا کجایی هستیدی؟ به نظر می‌رسد از ابتدا با فضای کارگری آشنا بوده‌اید و مسئولیت‌هایی نیز در این حوزه بر عهده داشته‌اید؟

اصالتا اهل خمین هستم. حدود ۳۲ سال در وزارت کار مشغول به کار بودم. آخرین سمت دولتی‌ام نیز مدیر کل وزارت کار بود. سال ۸۵ باز نشسته و وارد بخش خصوصی شدم.

■ به طور کلی منظرم از فضای کارگری غیر از آن چیزی است که به شکل کلاسیک در قوانین و پخش نامه‌ها و سمت‌های دولتی معرفی شده است. همه ما اطرافیان

کارگری داریم. گاهی پدر، برادر، خواهر و یکی از بستگان ما کارگر هستند. شما چه تجربه یا مشاهده‌ای در حوزه کارگری در اطرافتان دارید؟ در این باره توضیح دهید.

ما در خانواده کارگری بزرگ شدیم. البته پدرم کاسب بود و کسب و کاری داشت، ولی در عین حال زمین کشاورزی داشتیم و با موضوع کار اساسا آشنا هستیم. اطرافیان من، خواهر‌هایم، خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌هایم حقوق بگیرند. خودم تجربه کارگری ندارم ولی در حوزه کارگری فعالیت کرده‌ام. من بعد از درس و دانشگاه وارد بازار کار و دستگاه دولتی شدم.

■ کارگر اساسا چه تعریفی دارد و چه کسانی را می‌توان کارگر نامید؟

در هر مملکتی، نیروی کار حرف اول را می‌زند. ما مثل بسیاری از کشورها نیروی کار قابل‌ای داریم. نیروی کار قابل چرخ اقتصاد را به حرکت می‌اندازد. وقتی اقتصاد در مملکتی به حرکت افتاد مسائل اجتماعی و پیرامونی را متاثر می‌کند و وقتی اقتصاد قوی باشد آن‌ها را هم قوی می‌کند. در ایران نیز وقتی به پیشینه کارگرها نگاه می‌کنیم خیلی با اهداف انقلاب و اهداف اقتصادی آن سازگاری داشتند. چه در دوران جنگ و چه دوران تحریم بسیار همراه بودند و کمک کردند و الان اگر ما با مسائلی مثل معیشت نابسامان قسمتی از نیروی کار مواجه هستیم این مسئله برمی‌گردد به نوسانات وضعیت اقتصادی کشور طی سالیان گذشته. من کارگر را کسی می‌دانم که مزد بگیرد، صرف نظر از بخش خصوصی و دولتی و البته با لحاظ این مسئله که مشمول قانون کار شود. قانون کار هم چنین تعریفی دارد. لفظ کارگر در همه جای جهان یکسان است. کارگران چرخ مملکت را می‌چرخانند.

■ بین کارفرما و کارگر به ظاهر نوعی دوقطبی وجود دارد. بسیاری بر این باورند که این دوقطبی بیشتر از آنچه جنبه حقیقی داشته باشد باری روانی است که بر فضای کارگری کشور سسا به انداخته است. البته نمی‌توان از کم‌کاری و حق‌کشی‌ها در این حوزه چشم پوشید اما ما هم معتقدیم بیشتر این تضاد جنبه انتزاعی دارد. برای روشن شدن این حقیقت که کارگر و کارفرما اساسا از یک جنس و طبقه هستند چه می‌توان گفت؟ به نظر شما این تقابیل چه زمانی به وجود آمده است؟

به نظر من مسئله ذهنی است. در بخش خصوصی قانون کار

نگاه

دوقطبی کارگر و کارفرما عمده‌تا تصویری غیر حقیقی و ذهنی است. تفاوتی بین کارگر و کارفرما وجود ندارد. کارفرمایان روزی کارگرانی شبیه به کارگران خود بوده‌اند. در گیرودار این فعالیت و به دلیل مشکلات ساختاری که در اقتصاد کشور وجود دارد، ممکن است مسائلی در پرداخت دستمز، بیمه و حتی مالیات کارگاه‌های کوچک به وجود آمده باشد که بیش از هر چیز ناشی از نوسانات اقتصادی است.

کارگران دست در دست کارفرمایان می‌توانند این جادو را به اقتصاد کشور ببخشند. این دو گانه دوست داشتنی دو قطب رو در روی هم نیستند، بلکه همگام و همراه هم هر کدام نقشی در تولید و توسعه ایفا می‌کنند. برای همین هم به مناسبت روز جهانی کارگر، این بار خواستیم از زبان کارفرمایان جامعه کارگری را بشناسیم و پاس داریم.



کتیو | ۱۷

کارگر را بیمه نکنند یا کمک‌هزینه مسکن را به کارگر پرداخت نکنند، احتمال دارد کارگاهی هم باشد که کمتر حقوق بدهد. این‌ها سازوکار اقتصادی می‌خواهد. کل مفاد قانون کار جمهوری اسلامی ایران در مورد کارگرها با یک نگاه دیده شده است. آن کارگاهی که یک کارگر دارد یا شرکتی که ۵۰ هزار کارگر دارد از دید قانون برابر است و همان مفاد درباره هر دو اعمال می‌شود. این کارگاه‌ها در واقع به لحاظ مشکلات اقتصادی خود طبعاً نمی‌توانند مثل هم باشند. گاهی هزینه یک کارگاه بالا می‌رود و نسبت درآمد و خرج آن یکی نیست یا برعکس. مثلا ترخ برق در یک کارگاه کوچک تراشکاری همان است که در کارخانه ایران خودرو و لحاظ شده است، میزان حق بیمه همان است و میزان مالیات نیز و... وقتی هزینه‌های مبادله و تولید این واحد کوچک بالا برود هزینه‌های آن متوجه کارفرماست. فرض کنید کارخانه ایران خودرو یک صندوق قرض الحسنه داشته باشد. صندوقی که تسهیلاتی به نیروی کار ارائه می‌دهد. اما واحدهای کوچک چنین توانی ندارند. بنابراین اگر تمهیداتی برای واحدهای کوچک در بعد تامین اجتماعی کارگران به وسیله دولت‌ها به وجود نیاید اقتصاد ما به سمت غیر رسمی شدن می‌رود.

■ درباره این غیررسمی بودن کمی بیشتر توضیح دهید. اقتصاد غیررسمی یعنی تخلفاتی که به آن دوقطبی کارگر و کارفرما دامن می‌زند. یعنی کارفرما برای نجات کارگاه دست به تخلف می‌زند و حق بیمه را پرداخت نمی‌کند، مالیات را به شکلی دور می‌زند، مزد پایین‌تر از عرف به کارگر پرداخت می‌کند، مر خاصی را کمتر می‌کند و اساسا چشم‌ناظری برای کنترل آن وجود ندارد. چون درآمدها با هزینه‌ها همخوانی ندارد. البته این مشکل در تمامی دنیا وجود دارد. سال گذشته در اجلاس ۱۰۴ سازمان بین‌المللی کار، کمیته‌ای داشتیم با عنوان «گذر از اقتصاد غیررسمی به رسمی». یعنی کشورها چه کاری انجام دهند تا اقتصادشان از حالت غیررسمی به رسمی تبدیل شود. فرض کنید اگر از اقتصاد غیررسمی به رسمی پیش برویم حوق بیمه، مالیات، تامین اجتماعی و... همه به‌درستی و به‌موقع پرداخت می‌شود و اساسا همه چیز به نفع دولت خواهد بود.

■ باید چه کاری انجام دهیم تا کارگاه‌های کوچک فعال شوند و برای گذر از اقتصاد غیررسمی به رسمی اساسا چه کاری می‌توان انجام داد؟

برای توانا کردن باید نوعی بارانه برای این کارگاه‌ها در نظر گرفته شود. به نوعی باید سهولت‌ها و معافیت‌هایی در حوزه مالیات و... در نظر گرفته شود. برای مثال باید این تمهیدات را در نظر گرفت که نرخ مالیات فلان کارگاه از ۱۰ درصد به ۹ درصد کاهش پیدا کند تا توان برابری هزینه و سود را داشته باشد. با این ترغید چرخ اقتصادی کارگاه‌ها اصطلاحاً می‌چرخد. فی‌نفسه انسان‌ها در کارگاه‌های کوچک به دلیل وابستگی‌های عاطفی و اخلاقی این گونه هستند که یک کارفرما دوست ندارد نیروی کار کاهش یا مشکلاتی مواجه باشد و در مورد معیشت در ذلت باشد. چون نیرویی که از نظر روانی و از نظر جسمی در وضعیت مناسبی نباشد نمی‌تواند بازدهی مناسبی داشته باشد. در واحدهای بزرگ که بازدهی بالایی دارند و می‌توانند آموزش ببینند و تامین اجتماعی مناسبی دارند، این مسائل کمتر به وجود می‌آید. بنابراین باید سعی کنیم ابتدا بنیه کارگری از حیث معیشت و رفاه و از حیث نعمت‌های اجتماعی تامین باشد تا اقتصاد ما از وضعیت نیمه‌رسمی و غیررسمی به سمت اقتصاد رسمی تمایل پیدا کند. باید توان مالی کارگاه را بالا ببریم و بعد مقررات قانونی را که در مورد کارگران مطرح است اعمال کنیم. به این ترتیب بدهی‌ها به دولت نیز با سهولت بیشتری پرداخت می‌شود.

■ چه موانعی تا الان وجود داشته که این مسائل حل نشده و برخی بحران‌های کارگری و کارگاهی هنوز وجود دارد؟ مهم‌ترین مسئله این است که کارگاه‌ها هنوز دسته‌بندی نشده‌اند. در واقع باید در مورد عوارض و مالیات و... که کارگاه‌های کوچک به چرخه اقتصاد رسمی پیوندند مشوق گذاشت. مشوق‌ها می‌توانند شرعی باشند. برای مثال اگر قرار است معافیت مالیاتی یا تخخیف مالیاتی صورت بگیرد در شرعی است که حق بیمه کارگر به‌موقع پرداخت شود. این‌ها همه مثال است و در بسیاری از کشورها اعمال می‌شوند.

■ به طور مثال چه کشوری چنین استانداردهایی را در امور کارگران و البته کارگاه‌های کوچک رعایت می‌کند؟

کشورهای توسعه‌یافته عمده‌تا به این استاندارد رسیده‌اند. کشورهای پیشرفته توانسته‌اند اقتصاد رسمی را غالب کنند. اقتصادهای زیرزمینی در آن‌ها جایگاهی ندارند و این به نفع کارگر، کارگاه، دولت و همه است.

■ در کارگاه‌های بزرگ و شرکت‌های دولتی آیا تخلفاتی شبیه به کارگاه‌های کوچک وجود دارد؟

عمده‌تا تخلفات کمتر است و گاهی اصلا وجود ندارد. چون این کارگاه‌ها توسط مدیران حرفه‌ای اداره می‌شوند و کارفرما بالای سر کارگر نیست و سهامداران بالای سر کار هستند. تخلف قانونی در واحدهای بزرگ به وجود نمی‌آید چون عین قانون اجرا می‌شود و گاهی فراتر از قانون اعمال می‌شود و به نوعی شفافیت بیشتری وجود دارد. در واحدهای کوچک به دلیل کم‌درآمدی مشکلات و تخلفات مشهودتر است و اساسا چنین مشکلاتی در کارگاه‌های کوچک بیشتر است.



امنیت سرمایه گذاری و وضعیت کارگری

اگر نگاهی سطحی به وضعیت کارگاه‌های ایران بیندازیم متوجه می‌شویم که هیچ کارگاه قدیمی حتی صدساله در ایران وجود ندارد. در حالی که در بسیاری از کشورها کارگاه‌هایی با قدمت چند ده‌ساله حتی ۵۰۰ ساله هنوز وجود دارند و نسل به نسل به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در ایران بسیار به‌ندرت پیش می‌آید که کارفرمایی در نسل بعد تلاوم پیدا کند. چرا این اتفاق نمی‌افتد و نسل بد وارد این چرخه نمی‌شود؟ چون نسل اول عاشق بوده و این عشق تلاوم پیدا نکرده است. خودش نیروی کار بوده و کارگاهی را دایر کرده است و در آنجا مثل باغچه خانه خودش درخت کاشته است. با مشقات فراوان کارگاه را سر یا نگه داشته و حفظ کرده است. حالا اگر این کارفرما به دلایلی دچار مشکل شود نسل بعدی اساسا رغبتی به ادامه فعالیت این کارگاه ندارد چون مثل نسل اول عاشق نیست و به لحاظ اقتصادی برایش صرف نمی‌کند که بخواهد کارگاهی را از نسل قبل خانواده خود اداره کند. از بین رفتن این کارگاه‌ها از دست رفتن سرمایه‌های مملکت است. ریشه تمام این مشکلات در بی‌ثباتی مدیریت اقتصاد است، چرا که در بعد نیروی کار ما نیروی انسانی بسیار با کیفیتی داریم. نیروی کار ایرانی باشعور است. نیروی کاری که آموزش پذیر است، کسی است که می‌تواند کار یاد بگیرد. نیروی کار ایرانی با استعداد است. اگر معیشت این نیرو تامین شود، اگر از نظر روحی-روانی وضعیت مناسبی داشته باشد بهره‌وری بالایی دارد. و اگر مملکتی نیروی کار سالمی داشته باشد از نظر کیفی و کمی بهره‌وری بالایی خواهد داشت و درآمد سرانه ملی آن هم افزایش پیدا می‌کند. طبیعی است این نیروی انسانی قوی می‌تواند ساختار مملکت را به سمت جلو هدایت کند.

به کارگاه ساعت‌سازی سیکو در ژاپن دقت کنید. در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین برندهای ساعت‌سازی جهان و یکی از گران‌قیمت و باکیفیت‌ترین‌های دنیاست. برندی که هنوز کارگاه زیرزمینی آن در شهر توکیو به فعالیت ادامه می‌دهد و جالب است که شیک‌ترین ساعت دست‌ساز جهان را به بازار بین‌المللی عرضه می‌کند.

ایجاد اشتغال و به کارگیری نیروی انسانی اساسا نیازمند امنیت برای سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری در هر مملکتی ابتدا امنیت می‌خواهد. امنیت یعنی اینکه فضا سالم، بدون تنش و بدون نوسان باشد، تا سرمایه‌گذار بتواند به‌راحتی سرمایه خود را بیاورد و بر اساس آن در زمینه‌های تولید و اشتغال برنامه داشته باشد. عمده‌تا خارجی‌ها در حوزه سرمایه‌گذاری همه جزئیات را در نظر می‌گیرند و به همه چیز دقیق می‌کنند. بعد از توافق هسته‌ای برجام، وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران تغییر کرده است و اتفاق بسیار بزرگی رخ داده و چشم‌انداز بسیار مثبتی پیش چشم کشور و جامعه کارگری کشور است. این فضا باید در وهله نخست حفظ شود و فضا از آنچه هست بهتر شود.

تاثیر امنیت بر سرمایه‌گذاری در حوزه کارگری بسیار ملموس است. در صورتی که فضا برای رونق فضای کسب‌وکار و تولید و اشتغال فراهم شود، بیش از هر چیز فضای کارگری از آن متاثر می‌شود. اما به نظر می‌رسد برخی منتقدان توافق هسته‌ای توجه همه‌جانبه به وضعیت کشور و تبعات نبود سرمایه‌گذاری و رونق تولید و اشتغال ندارند.

بی‌شک بهسازی فضای کار در ایران در گرو بهبود شرایط اقتصادی در کشور است و کارگران به‌عنوان قشری از این جامعه اولین گروه آسیب‌پذیرند که تبعات بیکاری و کم‌درآمدی می‌تواند مسائل اجتماعی را نیز به دامن آن‌ها بیندازد و بی‌شک مسئله کار در ایران بی‌اندازه به ساختار سیاسی-اقتصادی کشور وابسته است و برای بهبود وضعیت کارگری در ایران نیازمند عزمی همگانی هستیم که در آن همه برای منافع ملی گام بردارند و ارج‌شمردن منافع گروهی پرهیز گردد.

عضو کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران

